

■ «جنسیت» کجای این هویت است؟

اقدام‌های زیادی توسط صاحب‌نظران حوزه مطالعات زنان انجام شده است؛ اما هنوز خیلی کارها انجام نشده است. حتی تاریخ ما هم تاریخ مذکر است و همیشه از زاویه مرد سالارانه نگاه شده است. دختران و همسران در شجره نامه‌ها وجود ندارند و فقط مردها هستند. این تبعیض خیلی جاها به چشم می‌آید. لحاظ کردن این تعدد و تنوع کار سختی است؛ اما باید در این مسیر قدم برداشت. حکومت‌ها تمایل چندانی ندارند که در این زمینه حرکت کنند، مگر آنکه تأکید خاصی در این مسأله باشد.

■ چرا؟

چون برای حکومت‌ها آسان است که همه را یکسان بینگارند؛ آسیمله کردن و یکسان‌سازی برای تصمیم‌گیری‌ها، توزیع منابع و... راحت‌تر است.

■ یعنی ترجیح‌شان این است که همه را بپندارند یا ترجیح این است که زنان را ببینند؟
مسأله این است که چون آنها هم در چنین فرهنگی رشد کرده‌اند به‌طور طبیعی نیمه دیگر را نمی‌بینند؛ حتی مشاهده کردیم دولت‌هایی که مایل هستند تبعیض‌ها را کنار بگذارند، تبعیض مثبت قائل می‌شوند؛ مثل اینکه در آلمان اعلام می‌کنند تا سال فلان می‌خواهیم ۵۰ درصد پست‌های مدیریتی در اختیار زنان باشد. مادر ایران هم تبعیض مثبت داریم و قابل دفاع هم هست. ممکن است شما بگویید مهم نیست که زن باشد یا مرد، شایسته سالاری مهم است. بله درست است؛ اما ساختارها و روندهای موجود عملاً شایسته سالاری را از بخشی از جامعه سلب می‌کند. بنابراین شما باید در برخی موارد مداخله کنید؛ چون به‌طور طبیعی نمی‌تواند اتفاق بیفتد. البته اگر زنان بتوانند پست‌های مدیریتی داشته باشند به دلیل زن بودن‌شان نیست، بلکه به خاطر شایستگی است؛ اما باید راه را باز کرد. من بسیاری از زنان مدیر را دیدم که ادبیات مرد سالارانه دارند. چون جو حاکم بر نظام تصمیم‌گیری مرد سالارانه است. البته این تنه‌ای حکومت محدود نمی‌شود و در تمام لایه‌های اجتماعی کمابیش وجود دارد.

■ بعد از به رسمیت شناختن تعدد فرهنگی و جنسیت، هویت ملی چگونه تقویت می‌شود؟

در حوزه قانون‌گذاری و تنظیم مقررات می‌توان گام‌هایی برداشت. اکنون گامی کوچک و البته ناقص برداشته شد که فرزندان زنانی که همسران‌شان ایرانی نیستند، می‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند. البته آنقدر به آن تبصره اضافه کرده‌اند که مشخص نیست چه چیزی از آن باقی می‌ماند، اما به هر حال قدم کوچکی است و تحولات اجتماعی معمولاً با تغییرات و قدم‌های کوچک شروع می‌شود. البته برخی فکر می‌کنند تدریج یعنی هیچ حرکتی نکنیم تا خودش ایجاد شود، در حالی که این گونه نیست و ما باید تلاش کنیم. مثلاً درباره تبعیض‌های جنسیتی طبیعتاً زنان بهترین کسانی هستند که می‌توانند پیشرو باشند و مردانی که می‌توانند آنها را همراهی کنند.

■ زنان در دهه‌های اخیر منفعل نبودند و تلاش‌های زیادی داشته‌اند...

منفعل نبودند؛ اما من به جنبش زنان کشورمان ایرادهایی وارد می‌دانم. ما نمی‌توانیم این مسأله را در یک قشر متوسط تحصیلکرده محصور نگه داریم. افرادی که در اقشار پایین جامعه هستند، نباید خود را دریافت‌کننده خدمات جنبش زنان احساس کنند، بلکه باید به‌عنوان مشارکت‌گر حضور داشته باشند. زنان خانه‌دار معمولاً حذف می‌شوند؛ در حالی که جمعیت بزرگی از زنان، خانه‌دار هستند. ممکن است کار غیر از خانه هم بکنند اما خانه‌داری جزو کارشان است. پتانسیل عظیم زنان خانه‌دار نادیده گرفته شده و پیوند با آنان به‌درستی برقرار نشده است. خواسته اصلی همه این است که «من می‌خواهم دیده و شنیده شوم»؛ این «من» هر کسی می‌تواند باشد. حکومت‌ها می‌توانند این «من» را نادیده بگیرند؛ جنبش‌ها به آن کم توجهی بکنند؛ احزاب کم توجهی بکنند و هر جایی روابط قدرت وجود دارد، می‌توانند نادیده گرفته شوند، اما این‌ها وجود دارند. برای من همیشه این سؤال مطرح بوده که چرا ما جنبش‌های بازنشستگان نداریم؟ جنبش‌های بازنشستگان بازسیدگی به‌بازنشستگان فرق دارد. با مثلاً چرا جنبش بیکاران نداریم.

■ گفتید در فلسفه سیاسی این سؤال مطرح است که «چگونه می‌توان شهروندان پیر و مکاتب فلسفی، اخلاقی و دینی متفاوت را در یک چارچوب همکاری عادلانه به‌گونه‌ای در کنار هم قرار داد که بتوانند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند؟» دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ ما شناسنامه فکری کمابیش واضحی دارند؛ هویت فرهنگی و ملی آنها در انقلاب، جنگ، سازندگی و... خود را نشان داد. ما الان با دهه هفتاد و هشتادایی مواجه هستیم که خیلی درباره آنها مطالعه نکرده‌ایم یا اگر مطالعه‌ای هست، از نتایج آن مطلع نیستیم. مثلاً یکی دو هفته پیش یک خواننده زیرزمینی در خواستی از هواداران خود مطرح کرد و حدود ۱۵ میلیون کامنت پای این تقاضا گذاشته شد. این نسل با داستان سفر خانواده هاشمی بزرگ نشدند؛ هویت ملی و فرهنگی این نسل چه مؤلفه‌هایی دارد؟

امین معلوف کتابی به‌نام «هویت‌های مرگبار» نوشته است. نویسنده خودش چند فرهنگی است؛ مسیحی و لبنانی است و الان در فرانسه زندگی می‌کند؛ این کتاب تفاوت نگاه کلاسیک به هویت و سنت و نگاه جدیدتر و پست مدرن به هویت و سنت را مورد بررسی

قرار داده است. قبلاً این گونه تصور می‌شد که هویت هم ثابت و هم واحد است؛ در حالی که اصلاً این طور نیست. هویت ما هم سیال و هم لایه لایه است. هر کدام از این لایه‌های هویتی ما در شرایط مختلف در اولویت قرار می‌گیرد؛ مثلاً در یک حکومت سکولار یا حکومتی که ادعای سکولار بودن دارد، اهمیت تفاوت‌های دینی و مذهبی کمتر و تفاوت‌های زبانی و قومی پررنگ‌تر می‌شود و در یک حکومت دینی هویت مذهبی در سطح قرار می‌گیرد. خود اینها هم ثابت نیست. هویت ما هویت ثابتی نیست و در حال تحول است. مکتب محافظه کار تصور می‌کند که سنت ثابت است و اگر به ترکیب آن دست بزنید، از سنت بودن خارج می‌شود؛ اما جامعه‌گراها این طور فکر نمی‌کنند و معتقدند سنت متحول می‌شود و ما باید بر اساس فهم آن جلو برویم. الان جهانی شدن و دهکده جهانی و... پدیده واقعی‌ای است که با آن روبه‌رو هستیم؛ برای همین، الان هویت‌های فروملی و فراملی یعنی لایه‌های فراملی و فروملی اهمیت پیدا کرده‌اند.

الان بخش عمده تبادل فرهنگی و دانشی فرزندان ما داخل ایران نیست. شکاف‌های نسلی همیشه در جامعه‌شناسی مطرح است و باید به آن توجه جدی شود. شکاف نسلی به این معنا نیست که چون شما شکاف نسلی دارید، باید بین نسل‌ها انقطاع وجود داشته باشد؛ این دو مفهوم با هم فرق دارد. همان طور که انتظار داشتیم پدران ما، ما را درک کنند، فرزندان ما هم انتظار دارند ما آنها درک کنیم. من بخشی از وقتم را صرف این می‌کنم تا بفهمم دختر من که متولد دهه ۸۰ است، چه فضای فکری‌ای دارد؛ من خیلی چیزها هم از او یاد می‌گیرم. مثلاً یکبار از او خواستم مفصل درباره اینستاگرام توضیح دهد، چون این دنیایی است که او با آن روبه‌رو است. نوع فیلم‌هایی که می‌بیند و نوع رمان‌هایی که می‌خواند، قابل اهمیت است. ما باید سعی کنیم آنها را درک کنیم؛ بدون اینکه بخواهیم آنها را شبیه خود کنیم.

■ پیوند میان این نسل‌های گذشته را محکم می‌دانید یا سست؟

وقتی گفت‌وگوی بین نسلی وجود ندارد، پیوند سست می‌شود؛ گفت‌وگوی بین نسلی بسیار ضعیف است. نسل جدید ما توسط نهاد‌های رسمی به رسمیت شناخته نمی‌شود. من اگر صد اوسیمار آنگاه می‌کنم و می‌بینم نمی‌توانم هیچ ارتباطی با آن برقرار کنم، آن را کلاً حذف می‌کنم. گاهی رادیو در هنگام رانندگی گوش می‌دهم و احساس می‌کنم کسانی که با هم صحبت می‌کنند، دور هم نشسته‌اند و فکر می‌کنند باید با هم گپ بزنند و البته شاید هم می‌دانند که شنونده چندانی ندارند؛ به همین دلیل تم بر نامه‌ها غالباً دور همی است. رادیو مادر صداستگاهی FM محلی خیلی از کشورها هم عمل نمی‌کند. تلویزیون هم همین طور است. تعداد کانال‌ها خیلی مهم نیست. مهم این است چقدر آینه تفاوت نسلی، دیدگاه‌ها و سبک‌ها باشد. اما وقتی نمی‌خواهیم آینه تفاوت‌ها باشیم و می‌خواهیم آنچه را که فکر می‌کنیم سبک درست زندگی است را رایج کنیم، فرد مشتری شبکه‌ها و کانال‌های دیگری می‌شود.

■ مؤلفه‌های چهار گانه ایرانیست، خداباوری، سنت و مدرنیته در این نسل را چگونه می‌بینید؟

این توازن برقرار نشده است که همه‌ما دچار سرگشتگی شده‌ایم.

■ کدام کفه سنگین‌تر است؟

از فرد به فرد و از منطقه به منطقه فرق می‌کند. فیلم «اَشغال‌های دوست داشتنی» از این لحاظ برایم جالب بود که تنوع نسلی و تفاوت‌ها را نشان می‌داد؛ نمی‌گفت چه کسی بهتر باید تر است؛ می‌خواست بگوید هر کدام از این‌ها عقاید خودشان را دارند. شما تصور کنید اگر این به روزنامه‌های ما، به صداوسیما، به کتاب‌های درسی، به فرهنگ ما و به روابط بین ما تسری پیدا کند چه وضعیتی خواهیم داشت؟ ما الان سکوت بین نسلی داریم. ما حوصله نداریم برای کسی حرف بزنیم؛ چون با فکر می‌کنیم که ما را نمی‌پذیرند یا به خود می‌گوییم: برای چه باید حرف بزنیم؛ بین ما دیوارهای بلندی کشیده شده است.

وزیر کشور در گفت‌وگو با «ایران» درباره اعتراضات دی‌ماه ۹۶ تأکید کرد، ریشه اعتراض‌ها، نا رضایتی‌هایی است که گاه منبع از تفاوت نسل‌ها و تغییر سبک زندگی است. ما در اعتراضات دی‌ماه دانش‌آموزانی بین معتزضان و بازداشت‌شدگان داشتیم؛ اعتراض‌ها خیلی زود به ۱۰۰ شهری کشیده شد که خیلی‌ها پیش از آن حتی اسمش را نشنیده بودند. به نظر می‌رسد اعتراض‌های دی‌ماه، نشانه‌ای از این نادیده گرفتن‌ها بود...

تنها وجه مشترک همه کسانی که در آن تجمعات شرکت کردند، احساس ظلم و بی‌عدالتی بود؛ یکی پولش را در فلان بانک یا فلان صندوق گذاشته بود و ضرر کرده بود؛ یکی خدمات پزشکی مناسب دریافت نکرده بود؛ یکی ستاره دار شده بود؛ اما همه اینها یک وجه مشترک داشت.

وقتی گفت‌وگوی بین نسلی وجود ندارد، پیوند سست می‌شود؛ گفت‌وگوی بین نسلی بسیار ضعیف است. نسل جدید ما توسط نهاد‌های رسمی به رسمیت شناخته نمی‌شود. من اگر صد اوسیمار آنگاه می‌کنم و می‌بینم نمی‌توانم هیچ ارتباطی با آن برقرار کنم